

مناظره و ویژگی‌های مناظرات

امام رضا علیه السلام

سیدعلی ضیغم زیدی*

۱۵۹



سال پنجم / شماره ۶ / بهار و تابستان ۱۳۹۰

چکیده

هر چند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روزهای آخر حیات خود تأکید فراوانی به پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام داشتند، ولی مسلمانان با نادیده گرفتن این توصیه، در حوزه‌های مختلف مذهبی و معرفتی، به بیراهه رفتند و ائمه اهل بیت علیهم السلام همواره به نقد عقاید و گرایش‌های انحرافی می‌پرداختند. از آغاز سده دوم هجری، گرایش‌های مهم کلامی و فقهی رو به رشد و در پی نهضت ترجمه، انبوهی از علوم، آرا و افکار جدید وارد جامعه اسلامی گردید که در مواردی به سبب ناسازگاری با آموزه‌های اسلام، منازعات و مجادلات فراوانی را به وجود آورد. در چنین نابسامانی‌های فکری و فرهنگی، امام رضا علیه السلام با شیوه جدال احسن، دربارہ بسیاری از مسائل به مناظره پرداختند. در این میان، مناظرات کلامی آن حضرت، از جمله در حوزه خداشناسی، برجستگی خاصی دارند. حضرت در این مناظرات، پیرامون وجود خدا و ادله آن و یگانگی خدا (توحید) و صفات خدا و همچنین مقولاتی که مربوط به خداشناسی، چون قضا و قدر، بداء و جبر و تفویض سخن گفته‌اند و این مقولات را مورد بررسی قرار داده‌اند.

مناظره‌ها و احتجاج‌هایی که ائمه معصوم علیهم السلام در طول تاریخ انجام داده‌اند، به منظور تبیین معارف دینی بوده است و هدفی که امام رضا علیه السلام در مناظرات خود به طور کلی دنبال می‌کردند، استواری مبانی اسلام و سستی مبانی خصم بوده است. حضرت کوشیده‌اند تا به مردم مبانی اصیل اسلام را تعلیم دهند و شبهات عقیدتی را رفع نمایند. حضرت در مناظرات خود، به گونه‌ای سخن گفته‌اند که متناسب با سطح علمی و فکری مخاطب باشد.

*. دانش‌پژوه ارشد، مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام.

با دقت در این مناظرات، به این نتیجه می‌رسیم که حضرت همه اصول و ضوابط مناظرات را رعایت نموده‌اند؛ از جمله ارائه دلایل محکم و متناسب، به کارگیری تشبیهات و تمثیلات، رعایت ایجاز و ...

از نظر روان‌شناختی نیز به روش‌هایی چون رعایت سطح فکری مخاطب، رعایت مقتضای حال، مماشات با مخالف، نرمی در رفتار و پا فشاری در اثبات مواضع می‌توان اشاره نمود. از سویی استفاده از دلایل قرآنی و تفسیر قرآن به قرآن و بهره‌گیری از روایات نیز دیده می‌شود. علاوه بر این، از مناظراتی که امام علیه السلام داشته‌اند، می‌توان به بهره‌گیری آن حضرت از صناعات خمس مثل برهان و جدل پی برد.

واژه‌های کلیدی: روش، مناظره، احتجاج، برهان، امام.

مناظره از شیوه‌های مطلوب و موثر برای تبیین و نشر معارف الهی است که در مواجهه با آراء و اندیشه‌های مخالفان ادیان الهی نیز انجام می‌شود. در طول تاریخ دو جبهه حق و باطل با هم در تقابل بوده‌اند و می‌توان این تقابل را در دو میدان جنگ و میدان گفتگو تصور نمود.

به نظر می‌رسد که روش نخست، نسبت به روش دوم، مؤثرتر نباشد؛ چون ممکن است که انسان در میدان جنگ طرف مقابل را از بین برده و شکست دهد و در این صورت، امکان پذیرش حق، سلب می‌شود؛ ولی در صورت دوم که مرحله گفتگو می‌باشد، هر دو طرف ادله خود را بیان می‌کنند و سعی می‌کنند که طرف مقابل را قانع کنند. با این روش اگر انصاف پیشه کنند به حق و حقیقت دست پیدا خواهند کرد.

لذا حضرات معصومین علیهم السلام از این روش استفاده کرده و کوشیده‌اند تا از این طریق، حق را اثبات کنند و پیغام الهی را به بندگان او برسانند. این روش را همه معصومان علیهم السلام مورد توجه قرار داده‌اند؛ از جمله امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که مناظرات زیادی را به انجام رسانده‌اند. به طور کلی آنچه که تاریخ گواهی می‌دهد، این است که مناظره در زمان امام رضا علیه السلام ضرورت زیادی پیدا کرده بود و این به خاطر شرایط سیاسی و فرهنگی آن زمان بوده است.

قرآن کریم نیز از یک سو مسلمانان را از جدل و بحث‌های بی‌ثمر منع می‌کند و از

سوی دیگر، به بحث و مباحثه تشویق می‌کند و می‌فرماید:
 ﴿ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن﴾^۱ یعنی با اهل کتاب مجادله نکنید،
 مگر با شیوه‌ای که احسن است.
 و در آیه‌ای دیگر ارشاد می‌فرماید:
 ﴿ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن﴾^۲ ای
 پیامبر! مردم را با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت فراخوان و با آنان با
 شیوه‌ای که نیکوتر است مناظره کن.

مفهوم شناسی

معنا و مفهوم لغوی مناظره

مناظره از ریشه «نَظَرَ يَنْظُرُ» به معنای نگاه کردن می‌باشد. فرید و جدی در دایرة
 المعارف می‌گویند:
 مناظره به معنای مجادله است.^۳ همچنین سعید شرتونی در *اقترب الموارد* می‌گوید: این
 کلمه به معنای «قاربه» است به معنای نزدیک شدن دو یا چند نفر و یا چند نفر به یک
 دیگر.^۴

معنا و مفهوم اصطلاحی مناظره

بستانی در *محیط المحيط*، علم مناظره را این گونه تعریف می‌کند:
 علم يعرف به كيفية آداب الى طريق اثبات المطلوب و نفيه او نفى دليله مع الخصم، و
 موضوعه البحث، و تطلق المناظرة فى اصطلاح اهل هذا العلم على النظر من الجانبين فى
 النسبة بين الشئيين اظهاراً للصواب، و هو اخص من القياس؛^۵
 مناظره علمی است که در آن چگونگی آداب هر راهی برای اثبات مطلوب و نفی آن و

۱. عنكبوت (۲۹)، آیه ۴۶.

۲. نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

۳. فرید و جدی، *دائرة المعارف*، ج ۱۰، ص ۳۰۹؛ فخر الدین طریحی، *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۴۹۸.

۴. سعید شرتونی، *اقترب الموارد*، ج ۲، ص ۱۳۱۶.

۵. بطرس بستانی، *محیط المحيط*، ترجمه قاموس مطول للغة العربية، ص ۹۰۱.

یا نفی دلیل مطلوب در برابر خصم شناخته می‌شود و موضوع آن بحث است. مناظره در اصطلاح اهل این علم در مورد نظر دو طرف در نسبت بین دو شیء برای اظهار رأی درست نیز به کار می‌رود و این معنی اخص از قیاس است. راغب اصفهانی درباره آن می‌گوید:

المناظرة المباحثة و المباراة فی النظر و استحضار ما یراه بصرته؛^۱ مناظره عبارت است از گفتگوی طرفینی رو در رو و به میان آوردن هر آنچه که به آن معتقد است. به گفته دهخدا، مناظره یعنی هر یک از متخصصان برای روشن کردن حق، دلیل‌هایی می‌آورد، تا طرف مقابل را به راه حق راهنمایی کنند.^۲ خواجه نصیر الدین طوسی می‌گوید:

مناظره میان دو صاحب رأی متقابل است که هر یک متکفل بیان رأی خود می‌باشد؛ به شرط آنکه هر دو بعد از وضوح، مساعدت حق کنند و غرض دیگری در کار نباشد.^۳ مناظره از نظر و اعتبار مشتق است و هدف آن مباحثه در مورد دو رأی متقابل یکدیگر است؛ به گونه‌ای که هر یک از این دو مناظره کننده متکفل بیان حق بودن رأی و نظر خویش می‌باشند.^۴ مناظره مکالمه و گفتگویی است دو طرفه که هر یک با استدلال و ارائه براهین سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند.^۵

پیشینهٔ مناظره

از آغاز آفرینش انسان، اساسی‌ترین ابزار ارتباط انسان برای تفهیم و تفاهم همان گفتگو، مناظره و احتجاجات می‌باشد. تاریخ گواه بر این مطلب است که پیامبران الهی نیز از این ابزار فطری و عمومی استفاده کرده‌اند. ما برای روشن شدن بیشتر مطلب، ناگزیریم نگاهی اجمالی به پیشینه مناظره داشته باشیم و برای سهولت کار، آن را در چند بخش ارائه خواهیم داد.

۱. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۸۱۶.
۲. علی اکبر دهخدا، *لغت نامه*، ج ۱۳، ص ۱۹۴۶.
۳. خواجه نصیر الدین طوسی، *اساس الاقتباس*، ص ۴۴۸.
۴. ابو علی سینا، *برهان شفا*، ج ۳، ص ۱۵، ماده جدل.
۵. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۲۶۱.

۱. مناظره قبل از اسلام

همان طور که ذکر شد، تاریخچه مناظره به آفرینش انسان گره خورده است؛ زیرا انسان فطرتاً متفکر آفریده شده است و با اندک تأمل به جهل خود پی می‌برد و برای از بین بردن جهل و نادانی خود راهی جز تفکر و تبادل نظر با دیگران به ذهن او خطور نمی‌کند، ولی آن چیزی که به طور مکتوب و منظم به ما رسیده است، حاکی از آن است که مناظره مربوط به قوم یونان قدیم چهار و پنج قرن قبل از میلاد مسیح می‌باشد. به گفته برخی مورخان، آنان (اهل یونان) آن قدر به مباحث فن مناظره اهمیت می‌دادند که تعالیم آن را به عنوان شغل انتخاب نموده و به تعبیر افلاطون، دکان دارانی بودند با کالاهای معنوی.^۱

۲. تاریخچه مناظره در اسلام

همان گونه که پیش تر اشاره شد، فن مناظره و گفتگو با آغاز زندگی بشر و همراه زندگی انسان‌ها وجود داشته و تا امروز مسیر تکاملی را طی کرده است. این فن قبل از اسلام هم بوده و اسلام هم بر اهمیت آن صحنه گذاشته و حتی این مناظرات بین اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت را بیخ بوده است. از پیامبر ﷺ گرفته تا امام یازدهم ﷺ که در بین مردم زندگی ظاهری داشتند، مناظراتی نقل شده است که بر اهمیت آن در امر تبلیغ دلالت می‌کند و در عصر غیبت این وظیفه بر دوش علما و دانشمندان شیعی گذاشته شد و آنها هم این وظیفه شرعی و عقلی را به خوبی انجام داده‌اند.

پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی ﷺ در زندگی با برکت خود مناظرات زیادی را با افراد مختلف جامعه انجام دادند. اسلام به مناظراتی با عنوان «جدال احسن» تشویق می‌کند و از مناظرات و جدال‌هایی که این‌گونه نیستند، نهی می‌کند. از امام صادق ﷺ نقل شده است که شخصی به خدمت آن حضرت رسید و گفت: یابن رسول الله! أفجادل رسول الله ﷺ؟ آیا رسول خدا ﷺ هم مجادله می‌کرد؟ آن حضرت در جواب فرمودند: شما چطور فکر می‌کنی؟ آیا خدا در قرآن نفرموده ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ

۱. محسن غروی‌ان، فن مناظره، به نقل از تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۲۶.

أَحْسَنُ؟ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن؟! أفتظن أن رسول الله ﷺ خالف ما أمره الله به؟ آیا گمان می‌کنی که رسول خدا ﷺ با آنچه که خدا امر کرده بود، مخالفت کند؟! هرگز این گونه نیست.

این دلیل بر آن است که آن حضرت مثل انبیای گذشته مناظرات و جدال‌های احسن داشته است. علاوه بر این، خود آن حضرت هم در این مورد می‌فرمایند: نحن المجادلون فی دین الله؟ ما کسانی هستیم که در دین خدا به بحث و مناظره می‌پردازیم.

۳. مناظره در عصر حاضر

در عصر حاضر که تنوع و پیشرفت علوم به حد اعلای خود رسیده است و هر روز ما شاهد نظریات و اختراعات جدید هستیم؛ عصری که دیدگاه‌های مختلفی از یک سو باطل می‌شود و مهر بطلان بر پیشانی آن زده می‌شود و از طرفی نظریات جدید در شکل نو عرضه می‌شوند و این مختص به علوم بشری نمی‌باشد، بلکه در عرصه عقاید، فلسفه و جامعه‌شناسی و سایر علوم هم نظریات مختلفی پا به عرصه وجود می‌گذارند، طبیعی است که نیاز به بحث و گفتگو و مناظره بیشتری دارد تا صحت و سقم نظریات بر پایه استدلال و برهان مبتنی گردد.

بنابراین، ما در این عصر، نیاز بیشتری به مناظرات داریم. از طرفی در عصر ما بحث گفتگوی تمدن‌ها مطرح شده است؛ لذا باید در این عصر، شاهد مناظرات و بحث و گفتگو بین افراد جامعه باشیم؛ چون عصر ما مقتضی چنین بحث‌هایی است. در این زمان از شک‌گرایی سفسطاییان گرفته تا نظریات جدید، همه با هم به نحوی آمیخته شده‌اند و وظیفه ماست که آنها را از هم جدا کنیم، تا صحت و سقم آنها روشن شود. به همین دلیل، در این عصر علم مناظره و گفتگو نیاز به مطالعه و پژوهش دارد و دانشمندان کوشیده‌اند این فن را تا حدودی ارتقا بخشند و ما اکنون شاهد مناظرات و گفتگوهای متعددی بین تمدن‌ها و ادیان هستیم. در این فن، کتاب‌هایی به روز نوشته شده است و تعداد آنها نسبت به پیش از این، قابل توجه است.

۱. نحل (۱۶)، ۱۲۵.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۵.

اهمیت مناظره

روشن است که اهمیت مناظره و ضرورت آن برای هیچ کس پوشیده نیست. فن مناظره و گفتگو چیزی نیست که فقط اسلام به آن اهمیت داده باشد، بلکه همه مکاتب فکری برای آن ارزش قائل اند؛ زیرا یکی از بهترین روش‌های تبلیغ افکار انسان است. به این وسیله انسان می‌تواند بدون تقابل فیزیکی، دیدگاه خود را به اثبات رسانده و دیدگاه مقابل را به ابطال رساند. از همین روی، هر کسی که در راه تبلیغ و ارشاد گام برمی‌دارد، نمی‌تواند مناظره و اهمیت آن را منکر شود. قرآن نیز در این باره می‌فرماید:

﴿... فَبَشِّرِ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أَوْلُو الْأَنْبَاءِ﴾^۱ پس بندگان مرا بشارت ده! کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند.

۱۶۵

تم
نقل / مناظره و ویژگی‌های مناظرات امام رضا علیه السلام

و نیز امام صادق علیه السلام پیرامون لزوم مناظره با مخالفان می‌فرماید:

خاصموم و بینوا لهم الهدى الذی اتم علیه و بینوا لهم ضلالتهم و باهلوم فی علی علیه السلام؛
با مخالفین بحث و ستیز کنید و طریق هدایت را که شما برآیند برای آنها بیان نمایید و راه گمراهی را برای آنها روشن سازید و درباره حقانیت علی علیه السلام با آنها مباحله کنید.
از سخنان آن حضرت، اهمیت مناظره در اسلام روشن می‌شود. امام صادق علیه السلام پیروان خود را به مناظره با مخالفان دعوت کرده است. سیره آن حضرت نیز همین بود؛ به گونه‌ای که هرگاه شرایط اقتضا می‌کرد، به مناظره می‌پرداختند و در صورت اقتضاء، حضرت به شاگردان خود که در این زمینه تخصص داشتند، دستور می‌دادند تا با مخالفان مناظره کنند و حق را برای آنها روشن سازند.

اقسام مناظره

مناظره با اهداف مختلفی واقع می‌شود؛ گاه هدف از مناظره اثبات حق است و گاه مراد از آن اسکات خصم است؛ بنابراین، مناظره کننده باید با مقصد و هدف مخاطب در مناظره آشنایی کامل داشته باشد.

۱. زمر (۳۹)، ۱۸ - ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

ما در این بخش، اقسام مناظره را ارائه خواهیم کرد. با آگاهی نسبت به مناظره و اقسام آن، می‌توان در هر زمینه ای نوع مناظره مناسب را برگزید و بهتر به نتیجه مطلوب نایل گشت.

مناظره از نظر منطقی به پنج قسم تقسیم می‌شود:

۱. مناظره برهانی؛

۲. مناظره جدلی؛

۳. مناظره خطابی؛

۴. مناظره شعری؛

۵. مناظره مغالطی.

۱. مناظره برهانی

۱۶۶

مناظره برهانی مناظره‌ای است که یا مقدمات استدلال در آن، از مقدمات یقینی تشکیل شده باشند. این مقدمات یقینی عبارتند از: اولیات، محسوسات، متواترات و تجربیات، و یا اینکه مقدمات آن یقینی نیستند، اما به مقدمات یقینی منتهی می‌شوند، مثل فطریات و حدسیات.

مهم‌ترین نوع مناظره و گفتگو مناظره برهانی است؛ زیرا مناظره کننده در آن می‌تواند با بهره گیری از ادله متقن و مبرهن، در جهت اثبات حق زودتر به نتیجه برسد؛ چون مقدمات آن یقینی می‌باشد.

۲. مناظره جدلی

ان الجدل لغة هو اللدد و اللجاج في الخصومة بالكلام مقارنة غالبا لاستعمال الحيلة الخارجة احيانا عن العدل و الانصاف و لذا نهت الشريعة الاسلامية عن المجادلة لا سيما في الحج والاعتكاف. ۱. يمكن التعريف بعبارة اخرى: الجدل صناعة تمكن الانسان من اقامة الحجج المولفة من المسلمات او من ردها حسب الارادة و من الاحتراز عن لزوم المناقضة في المحافظة على الوضع.^۲

جدل در لغت به معنای ستیزه و لجاجت ورزیدن در خصومت کلامی است که غالباً

۱. محمدرضا مظفر، المنطق، ص ۳۳۱.

۲. همان، ص ۳۳۵.

همراه با به کارگیری نیرنگ و حيله بوده و در بعضی موارد بیرون از دایره عدل و انصاف است و به همین خاطر شریعت اسلامی از مجادله به خصوص هنگام حج و اعتکاف نهی کرده است. ولی در اصطلاح صناعتی است که انسان را بر اقامه ادله تشکیل شده از مسلمات یا رد آنها طبق خواست خودش قادر می‌سازد و نیز به او این قدرت را می‌دهد که به گونه ای از وضع خود دفاع کند که نقضی بر او وارد نشود.
قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، جدال و مناظره کن!

۳. مناظره خطابی

مناظره خطابی مناظره ای است که در آن از قضایای اقلی استفاده می‌شود. شیخ محمد رضا مظفر^۱ می‌فرماید:

انها صناعة علمية بسببها يمكن اقناع الجمهور في الامر الذي يتوقع حصول التصديق به بقدر الامكان^۲؛

خطابه صناعتی است علمی که به سبب آن می‌توان عموم مردم را در امری که توقع حصول تصدیق به آن است، به مقدار امکان قانع نمود.
همچنین خواجه نصیر الدین طوسی در ذیل آیه شریفه
﴿اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۳؛
نقل کرده است که مقصود از حکمت، برهان می‌باشد و مراد از موعظه حسنه، خطابه، و مقصود از «جادلهم» جدل است.^۴

این سه نوع مناظره، به جز جدال غیر احسن، مطلوب و مورد تأیید شرع و عقل می‌باشد.

۱. نحل (۱۶)، ۱۲۵.

۲. محمد رضا مظفر، المنطق، ص ۳۶۹.

۳. نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

۴. با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

۵. آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۱۶ به نقل از اساس الاقتباس، خواجه نصیر الدین طوسی، ص ۵۳۰.

اراده، این گونه استدلال می‌فرمایند:

الا تعلم ان ما لم يزل لا يكون معقولاً و حديثاً و قديماً في حالة واحدة؛ آیا نمی‌دانی موجودی ازلی و قدیم، نمی‌تواند در یک لحظه هم معقول باشد و هم حادث و قدیم؟! مراد حضرت از این کلام این است که حدوث و قدم با یکدیگر جمع نمی‌شوند؛ زیرا قضیه منفصله می‌گوید: وجود یا حادث است و یا قدیم؛ قضیه منفصله از دو طرف نقیض تشکیل شده است؛ مثل اینکه بگوییم: عدد یا زوج است و یا فرد. دو طرف این قضیه، زوجیت و فردیت است که با هم جمع نمی‌شوند؛ چنان که دفع هر دو هم از یک موضوع ممکن نیست؛ زیرا دو نقیض نه با هم در یک موضوع جمع می‌شوند و نه از یک موضوع رفع می‌شوند.

۱۶۹

جدل

حضرت رضاعلیه السلام هم در مناظرات خود از صنعت جدل استفاده نموده‌اند و معنای به کار گرفتن این صنعت در بعضی از موارد و استدلال به آن، این نیست که حضرت جدل را بهتر از برهان تلقی کرده‌اند؛ بلکه این به خاطر خصوصیتی بوده که جدل نسبت به برهان دارد؛ از جمله اینکه درک جدل نسبت به برهان آسان تر است و توده مردم جدل را بهتر از برهان درک می‌کنند و گاهی هم به خاطر اینکه مخاطب حضرت بر اقامه و فهم برهان مسلط نبود، حضرت از جدل استفاده نموده‌اند. ما نیز در اینجا بعضی از استدلال‌های جدلی حضرت را به اختصار ذکر خواهیم کرد.

یکی از اموری که حضرت به آن اهتمام زیادی داشت، گرفتن اعتراف از طرف مقابل بود. حضرت نسبت به چیزهایی که طرف مقابله به آن اعتقاد داشت و آن را پذیرفته بود، اعتراف می‌گرفتند؛ تا در جای خودش و در موقعیت مناسب از آن استفاده کنند و این کار همان استفاده از مسلمات خصم است که خصم به آن باور دارد و نمی‌تواند آن را انکار کند و این مسلمات خصم، همان مواد جدل را تشکیل می‌دهند. حضرت در ابتدا از خصم خود که جاثلیق است اعتراف می‌گیرند و بعد از آن استفاده می‌کنند:

هنگامی که امام رضا علیه السلام داخل مجلس مامون شدند و در کنار مامون نشستند، مامون رو به جاثلیق کرد و گفت:

یا جاثلیق! هذا ابن عمی بن موسی بن جعفر و هو من ولد فاطمة بنت نبینا محمد صلی الله علیه و آله و ابن علی بن ابی طالب علیه السلام فاحببنا أن تکلمه و تحاجه و تنصفه. فقال الجاثلیق: یا امیرالمومنین! کیف احاج رجلاً یحتج علی کتاب انا منکره و نبی لا اومن به؟ فقال الرضا علیه السلام: یا نصرانی! فان احتججت علیک بانجیلک أتقریه؟

قال الجاثلیق: و هل اقدر علی دفع ما نطق به الانجیل؟! نعم، والله اقر به علی رغم انقی؛ مامون به جاثلیق گفت: ای جاثلیق! این پسر عموی من علی بن موسی الرضاست و از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر ما و فرزند علی بن ابی طالب است. من دوست دارم با او سخن بگویم و مناظره کنی، اما راه انصاف را از دست نده. جاثلیق گفت: ای امیرالمومنین! من با او چگونه بحث و گفتگو کنم؛ در حالی که او به کتابی استدلال می کند که من منکر آن هستم و به پیامبری تمسک می جوید که من به او ایمان نیاورده ام؟

در این هنگام امام رضا فرمودند: ای نصرانی! اگر من از انجیل برای تو استدلال کنم، بدان اقرار خواهی کرد؟

جاثلیق گفت: می توانم گفتار انجیل را انکار کنم؟ آری به خدا سوگند اقرار خواهم کرد؛ هر چند که به ضرر من باشد.

خطابه

به طور اجمال می توان گفت: اگر هدف خطابه و به اصطلاح قرآن، موعظه این است که طرف مقابل در هر موضوعی که گفتگو و بحث می کند، باید در آخر گفتگو قانع شود، همه مناظرات و خطبه های آن حضرت تحت این صناعته قرار می گیرند؛ چون هیچ مجلس و مناظره ای بین حضرت و دیگری رخ نداد؛ مگر اینکه در پایان، طرف مقابل آن حضرت، نسبت به استدلال آن حضرت قانع شده است. هر چند که عناد قلبی مانع اظهار

آن شده باشد، ولی حقیقتاً همه افرادی که با آن حضرت مناظره انجام داده یا گفتگو و بحثی را انجام داده‌اند، بالاخره قانع شده‌اند و برتری آن حضرت را قبول داشته‌اند.

از جمله بیان جاثلیق در این مورد بهترین دلیل می‌باشد و آن اینکه وقتی حضرت امام رضا (ع) از او سؤال کردند:

ای نصرانی! انجیل که بر عیسی نازل شده بود، چه زمانی گم شد و نزد چه کسانی آن را یافتید و چه کسی این انجیل جدید را برای شما نوشت؟
او پاسخ داد: انجیل تنها یک روز گم شده بود و یوحنا و متی آن را بیرون آوردند؛ در حالی که دست نخورده بود.

امام رضا (ع) فرمودند: چقدر نسبت به تاریخ انجیل و دانشمندان آن بی‌اطلاع هستی؟ اگر آنچه که تو می‌گویی درست باشد، پس چرا درباره انجیل اختلاف وجود دارد؟ اگر انجیل یافته شده، انجیل اول بود، نباید درباره آن، این قدر اختلاف می‌کردید. حال من این اطلاعات را در اختیار تو قرار می‌دهم.

امام در ادامه فرمودند:

چون انجیل اول گم شد، مسیحیان نزد علما جمع شدند و به آنان گفتند: عیسی بن مریم کشته شد و انجیل گم شد و شما دانشمندان ما هستید؛ آیا چیزی پیش شما هست؟ لوقا و مرقیس گفتند: انجیل در سینه ماست و ما در هر یکشنبه بخشی از آن را برای شما می‌خوانیم، تا اینکه همه‌اش جمع‌آوری شود. بر این اساس، لوقا و مرقانوس و یوحنا و متی نشستند و این انجیل‌ها را نوشتند.

وقتی جاثلیق به این اطلاعات توسط امام رهنمون شد، گفت: تاکنون چنین اطلاعاتی درباره انجیل نداشتم و اکنون این اطلاعات را یافتم، اکنون وسعت اطلاعات شما نسبت به انجیل برایم روشن شد، قلبم گواهی می‌دهد که اینها حق است.^۱

این مناظره نشان می‌دهد که بیان حضرت رضا (ع) همه آن صفاتی را که باید یک خطابه داشته باشد، داراست و به لحاظ هدفی که در آن دنبال می‌شد، خصم تسلیم استدلال آن حضرت شد و نه تنها قانع شد، بلکه آن را به صراحت اعلام کرد؛ که من چنین اطلاعاتی پیش از این نداشتم؛ یعنی جاهل بودم و به برتری علمی آن حضرت، اعتراف نمود.

۱. ابی منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۱۱-۴۱۲.

مغالطه

سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام همواره این بوده است که در بحث‌های علمی هرگز از مقدمات وهمی و خیالی استمداد نمی‌جستند؛ زیرا انسانی که عقل ممثل است، در احتیاج‌ها از عقل تجاوز نمی‌کند و به وهم و خیال تنزل نمی‌کند. تنزل از مبادی عقلی به مقدمات وهمی و خیالی کار کسی است که یا دارای نقص علمی است و یا دارای نقص عملی. چنین احتجاج‌کننده‌ای که در مقام استدلال ضعیف بوده و یا گرفتار سوء استفاده از جهل دیگران است، با استمداد از مقدمات وهمی می‌خواهد کمبود فکری خود را در معقول جبران کند و یا بر اثر ضعف فکری و جهل مستمع قاصر که به خیال و وهم نزدیک‌تر است، فرصت را مغتنم شمرده و از مغالطه استفاده می‌کند.

لذا روش امامان معصوم علیهم السلام در دعوت به سوی خدا برای خردمندان و صاحب عقول و اهل اندیشه، استدلال برهانی است و در دعوت عمومی با مردمی که اهل برهان نیستند و آن را درک نمی‌کنند، استدلال خطابی و موعظه است و با مخالفان، به وسیله استدلال جدلی، آن هم جدال احسن، نه جدل باطل می‌باشد و شأن قدسی امام که خود برهان قاطع الهی است، منزّه و مبرا از به کار بردن مغالطه است. آن حضرات از مغالطه استفاده نمی‌کنند؛ چون مغالطه نه تنها منجر به یقین نسبت به واقع نمی‌گردد، بلکه منجر به جهل مرکب و جزم برخلاف واقع می‌شود. از این جهت است که امامان معصوم ما از این راه، استفاده نمی‌کنند؛ زیرا هدف آنها دعوت مردم به راه و دین الهی است؛ در حالی که مغالطه برای به اشتباه انداختن طرف مقابل است و استفاده از آن، با هدف امام منافات دارد. امامان علیهم السلام می‌خواهند حق را برای مردم تبیین کنند؛ برخلاف مغالطه که مردم را به راه اشتباه و غلط می‌کشاند.

شعر

از آن رو که اصول دین بر یقینات استوار است و دعوت دین با برهان و جدل حسن و موعظه صورت می‌گیرد، بهره‌گیری از شعر و امور تخیلی در حریم دین برای اثبات آموزه‌های دینی، جایگاهی ندارد.

سیره رسول اکرم ﷺ شاهد بر آن است که آن حضرت هیچ‌گاه در امر تبلیغ دین، از شعر بهره‌نجنسته است. و اگر گاهی پیامبر اکرم می‌خواست به شعری تمثیل جوید و آن را شاهد سخن قرار دهد، آن را در هم می‌شکست تا بهانه‌ای به دست دشمن نیفتد.

شعر معروفی است از عرب که می‌گوید:

ستبدی لک الایام ما کنت جاهلاً و یاتیک بالاخبار من لم تزود^۱

به زودی ایام، حقایقی را برای تو آشکار می‌کند که از آن آگاه نبودی و اخباری را کسانی برای تو می‌آورند که زاد و توشه‌ای برای آنها تهیه ندیده‌ای.

پیامبر ﷺ هنگامی که می‌خواست شعر فوق را بخواند فرمود: یاتیک من لم تزود بالاخبار و مضمون شعر را با عبارت معمولی بیان نمود. هیچ‌وقت از شعر در امر تبلیغ استفاده ننموده است. می‌توان گفت که حضرت امام رضا (ع) هم هیچ‌گاه در مناظرات خود در مقام استدلال از شعر بهره‌نجنسته‌اند. البته باید توجه داشت که عدم استفاده از شعر در کلمات و سیره آن حضرت و ائمه ما دلیل بر بطلان آن نیست و بلکه بعضی از اشعار حاوی حکمت‌اند و مشتمل‌اند بر پند برای انسان می‌باشند و رسول خدا ﷺ هم در حدیثی به این معنا اشاره نموده‌اند.

تاکنون بحث از صناعات خمس منطقی مطرح شد و همه موارد یک به یک مورد بررسی قرار گرفت و بیان شد که کدام یک از آنها در مناظرات آن حضرت مورد استفاده قرار گرفته‌اند و کدام مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و در ادامه، بحث روش‌شناسی مناظرات به طور عموم مطرح خواهد شد.

۲. روش‌شناسی مناظرات امام رضا (ع)

یکی از روش‌هایی که امام رضا (ع) برای تبلیغ دین و هدایت مردم به راه مستقیم و صراط الهی از آن بهره‌جسته است، انجام مناظرات با علما و دانشمندان آن زمان بوده. آن حضرت در این مناظرات از روش‌های جذاب علمی و فرهنگی استفاده نمودند، تا این مناظرات در مسیر عزت و سربلندی اسلام و مسلمین نتیجه بخش باشند و مسلمانان و به خصوص پیروان آن حضرت، از این شیوه، بهره‌ببرند. ما در این بخش، به روش‌شناسی مناظرات آن حضرت می‌پردازیم.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۵۰ - ۴۴۰ - ۴۴۱.

در جواب فرمودند:

إذا كانت الرواية مخالفة للقرآن كذبتها و ما اجمع المسلمون عليه انه لا يحاط به علما و لا تدركه الابصار و ليس كمثلته شي؛^۱ اگر روایت مخالف قرآن باشد، آن را تکذیب می‌کنیم. آن چیزی که مورد اتفاق همه مسلمان‌هاست، این است که لا یحیطون به علماً؟^۲ علم انسان نمی‌تواند احاطه به خدا داشته باشد، و لا تدركه الابصار؟^۳ او را جسم‌های ظاهری درک نمی‌کنند، و ليس كمثلته شي؛^۴ هیچ چیزی مانند او نیست. از این روایت، معلوم می‌شود که حضرت در مناظرات خود، مقید به محوریت قرآن بوده‌اند و روایاتی را که برخلاف قرآن بوده، نمی‌پذیرفتند و بلکه آنها را تکذیب می‌کردند.

۳. آزاد اندیشی

۱۷۵

آزاد اندیشی همان چیزی است که قرآن بارها انسان را به آن دعوت کرده است. شاید فلسفه عدم تقلید در اصول دین همین باشد و خدا می‌خواهد تا انسان با آزاداندیشی خود پی به حقیقت ببرد و وقتی به حقیقت پی برد آن را قبول کند؛ لذا در اصول دین انسان نمی‌تواند کورکورانه مقلد دیگران باشد؛ زیرا منطق اسلام منطق عقل و اندیشه است. حضرت رضا علیه السلام هم به همین اصل مهم و ارزشمند در قول خود اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

ليست العبادة كثرة الصلوة و الصوم، انما العبادة التفكير في امر الله عزوجل؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت حقیقی تفکر در امر الهی است. با مطالعه مناظرات حضرت رضا علیه السلام به این نتیجه می‌رسیم که آن حضرت عقل و منطق را محور قرار می‌دادند و طرف مقابل را به انصاف و تعقل دعوت می‌کردند. حضرت در مناظره با عمران صابی هشت بار او را به تعقل و تعلم اشارت دادند و منظور امام این بود که او با تعقل و فکر خود حقایق را قبول کند و خود تصمیم بگیرد.

۱. ابی منصور احمد بن علی، طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. طه (۲۰)، آیه ۱۱۰.

۳. انعام (۶)، آیه ۱۰۳.

۴. شوری (۴۲)، آیه ۱۱.

۵. داود بن سلیمان، مسند الرضا، ج ۱، ص ۳.

۴. استفاده از تشبیه و تمثیل

یکی از شیوه‌هایی که حضرت رضا علیه السلام در آن زمان در مناظره‌های خود استفاده نمودند، استفاده از تشبیه و تمثیل بود؛ چون اکثر مخاطبان آن حضرت را توده مردم و عوام الناس تشکیل می‌دادند که اکثر آنها به مباحث عقلی دقیق دسترسی نداشتند و درک براهین فلسفی و عقلی برای آنها مشکل بود؛ لذا حضرت با تشبیه و تمثیل، مقصود خود را تفهیم می‌نمودند.

یکی از مواردی که برای این شیوه می‌توان ذکر کرد، مسأله تدفین و تجهیز پدر بزرگوار آن حضرت، امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد. بعضی بر این عقیده بودند که امام رضا علیه السلام در تجهیز و تدفین پدر بزرگوار خود شرکت نداشتند؛ زیرا در آن زمان امام رضا علیه السلام در مدینه بودند و امام موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد به شهادت رسیده بودند.

راوی می‌گوید که علی بن ابی حمزه خطاب به امام عرض کرد:

از پدرم روایتی نقل شده و به ما رسیده است که تجهیز امام بر عهده امام بعدی است و چون شما در تجهیز پدرتان شرکت نداشتید، پس امام نیستید.

امام علیه السلام پاسخ فرمودند: آیا حسین بن علی امام بود یا نه؟

علی بن حمزه گفت: آری! حسین بن علی علیه السلام امام بود.

امام علیه السلام فرمود: چه کسی او را تجهیز کرد؟

او جواب داد: فرزندش علی بن الحسین.

امام علیه السلام فرمود: در آن زمان علی بن الحسین کجا بود؟

علی بن حمزه گفت: در کوفه زندانی عیبدالله بن زیاد بود.

امام رضا علیه السلام فرمود: با اینکه زندانی بود، چگونه در تجهیز پدرش شرکت کرد؟

علی بن حمزه گفت: روایت داریم که حضرت از زندان خارج شد و به کربلا رفت و در تجهیز پدرش شرکت کرد و بعد از دفن سیدالشهداء به زندان بازگشت؛ بدون اینکه مأموران از این جریان اطلاع پیدا کنند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر علی بن الحسین علیه السلام با اینکه زندانی و تحت نظر بود، می‌تواند از کوفه به کربلا برود و پدرش را تجهیز کند و برگردد؛ بدون اینکه کسی بفهمد، من که زندانی و تحت نظر نبودم، آسان‌تر می‌توانستم به بغداد بیایم و تجهیز پدرم را انجام دهم و برگردم؛ بدون اینکه کسی اطلاع پیدا کند.^۱

۱. داود بن سلیمان، مسند الرضا، ص ۹۱، ج ۱.

این بهترین بهره‌برداری از تشبیه در مناظره حضرت می‌باشد که خصم را درمانده کرد و او نتوانست پاسخی به آن بدهد.

۵. در نظر گرفتن سطح فکری مخاطب

همان طور که در حدیث آمده است، وظیفه انبیا و وصی آنها این است که در گفتگو با مردم، بر اساس استعداد عقلی آنها سخن بگویند، تا مردم سخن آنها را بفهمند. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

انا معشر الانبياء امرنا ان نتكلم الناس على قدر عقولهم؛^۱ ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم بر اساس سطح فکری و عقل آنها سخن بگویم.

امام رضا علیه السلام هم این اصل را در مناظرات خود با قشرهای مختلف در سطوح متفاوت در نظر داشتند.

آنجا که رهبر یک مکتب می‌آید، حضرت به شیوه یک مناظره کننده متبحر وارد بحث می‌شوند و با استدلال‌های مختلف او را به زانو در می‌آورند و جایی برای سخن برای او باقی نمی‌گذارند. اما در جای دیگر، اگر مخاطب حضرت یک شخص عادی و عامی است، با چند جمله ساده و یا با یک تمثیل، حق را برای او آشکار می‌سازند و در جایی که خواص اصحاب، مخاطب حضرت بودند و گنجایش درک معارف را در سطوح بالا داشتند، جوابی داده می‌شد که با عقل و استعداد آنها مطابقت کند.

مناظره آن حضرت با عمران صابی آن قدر پیچیده است که فهمیدن عمق مطالب بدون دقت نظر و مهارت کافی غیر ممکن است؛ لذا بزرگانی بر آن مناظره شرح نوشته‌اند.^۲

در این مناظره حضرت امام رضا علیه السلام مثل یک فیلسوف کامل و مناظره کننده متبحر گفتگو کرده‌اند. و برای اثبات مدعای خود، استدلال‌های عمیقی ارائه می‌کنند که شخص عادی نمی‌تواند آن را درک کند؛ بلکه برای درک آن آدم‌های باهوش و عالمی چون عمران صابی باید وجود داشته باشند، تا به حقیقت امر پی ببرند.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶.

۲. مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ۱۳۶۵ هـ.ش، ج اول، مقاله استاد محمد تقی جعفری

۶. قاطعیت در عین تواضع

تواضع نسبت به طرف مقابل در مناظره، اصلی است که نباید در حین مناظره از آن سرپیچی کرد؛ چون اگر این اصل رعایت نشود، مناظره از مسیر خود منحرف خواهد شد. لازم است انسان در حین مناظره، متواضع باشد، تا طرف مقابل بتواند آزادانه سخن بگوید و فضای مناظره جنجالی نشود.

در مناظرات حضرت رضاعلیه السلام این اصل همیشه رعایت شده است و ما هیچ مناظره‌ای را نمی‌یابیم که حضرت نسبت به این امر، بی‌توجه باشند؛ بلکه در هر مناظره و بحث و گفتگو نسبت به مخاطبین تواضع داشته‌اند و با متانت تمام، سخنان طرف مقابل را می‌شنیدند.

ولی حضرت در مقام پاسخ، روش خود را تغییر داده و با قاطعیت جواب می‌دادند؛ تا شبهه‌ای برای مخاطبان باقی نماند.

در مناظره با جاثلیق، وقتی حضرت از جاثلیق اعتراف گرفتند که حضرت عیسی به آمدن پیامبر اسلام ﷺ بشارت داده است، رو به رأس الجالوت، عالم یهودی کرد و فرمود: فالع الان یا رأس الجالوت السفر الفلانی من زبور داود، قال: هات بارک الله علیک و علی من ولدک، فتلا الرضاعیة السفر الاول من الزبور، حتی انتهى الی ذکر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین. فقال: سألتک یا رأس الجالوت بحق الله هذا فی زبور داود؟ ولک من الامان و الذمة و العهد ما قد اعطیته الجاثلیق. فقال رأس الجالوت: نعم، هذا بعینه فی الزبور باسمائهم. قال الرضاعیة بحق العشر الآیات التي أنزلها الله علی موسی بن عمران فی التوراة هل تجدُ صفة محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين فی التورات منسویین الی العدل و الفضل؟ قال: نعم و من ججدها کافر بریه و انبیائه؛ ای رأس الجالوت! سفر فلانی از تورات را گوش کن از زبور داود. رأس الجالوت گفت: خدا بر تو و خاندان تو مبارک گرداند، بخوان! پس حضرت سفر اول از زبور داود را تلاوت نمود؛ تا اینکه به نام‌های محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین رسید و فرمود: من از تو سؤال می‌کنم ای رأس الجالوت! به حق خدا بگو و گواهی بده که آیا این در زبور داود هست؟ و ترس! من همان امان و عهد ذمه که نسبت به

جائلیق دادم، به تو هم دادم. در این هنگام رأس الجالوت گفت: بله، عین این در زبور هست. در این هنگام حضرت فرمودند: به حق آیات ده گانه ای که خداوند بر موسی نازل کرده است، آیا صفت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین را در حالی که عدل و فضل را به آنان نسبت داده است، در تورات می‌یابی؟ رأس الجالوت پاسخ داد: بله، این گونه است و هر کسی این مطلب را انکار کند به پروردگار خویش و پیامبران او کافر گشته است.

۷. رعایت اصل ایجاز

یکی از عللی که باعث می‌شود ادعای شخصی در ذهن مخاطب به خوبی نقش بند و تاثیر بسزائی داشته باشد، موجز و کوتاه بودن آن است. از همین جاست که اشعار بر ذهن مخاطب زود اثر می‌گذارند؛ چون شاعر مفاهیم بزرگی را در قالب کلماتی چند می‌گنجاند. شعر نسبت به نثر تأثیر بیشتری دارد. مناظره و گفتگو هم هر چه کوتاه و موجز باشد، ثمره‌اش بیشتر است و مفیدتر خواهد بود و هر چه طولانی‌تر باشد، خسته کننده خواهد بود.

برای اینکه مناظره و بحث کوتاه و موجز باشد، نیاز به ممارست است و هر انسان نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ همان گونه که هر انسانی نمی‌تواند شعر بگوید. رعایت این اصل در مناظرات حضرت رضائیه[ؑ] زیاد به چشم می‌خورد و حضرت به خوبی توانسته‌اند با کوتاه‌ترین پاسخ، مخاطب را قانع کنند. یا موارد زیادی را در مناظرات می‌یابیم که بر این اصل استوارند.

دخل علیه رجل فقال له: ما الدلیل علی حدوث العالم؟ فقال: انک لم تکن ثم کنت و قد علمت أنک لم تکن نفسک و لا اکونک من هو مثلک؛ شخصی بر حضرت وارد شد و عرض کرد: (ای پسر رسول خدا) بر حدوث عالم چه دلیلی وجود دارد؟ حضرت پاسخ دادند: همین که تو نبودی بعد شدی و خود می‌دانی که خود را خودت نیافریدی و نیز کسی مثل تو هم نمی‌تواند تو را به وجود آورد، همین دلیل حدوث عالم است. حضرت در این پاسخ، با توجه به اِتقان، به ایجاز و کوتاهی سخن گفته است؛ در

۱. ابی منصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۵۳، ابن بابویه محمد بن علی صدوق، التوحید، ص ۲۹۳، باب ۴۲، رقم ۳ و شیخ مفید، الامالی، ص ۲۸۸.

حالی که سؤال از مسأله بسیار مهم بود. حضرت با جوابی کوتاه، پاسخ او را بیان کردند و طرف هم قانع شد و دیگر ادامه نداد و خاموش شد.

۸. تأکید بر رعایت انصاف و منطق

یکی از چیزهایی که برای هر مناظره و مناظره کنندگان لازم است، رعایت انصاف است. اگر در مناظرات و بحث و گفتگو انصاف رعایت نشود، آن نشست نتیجه‌ای نخواهد داشت. امام رضا علیه السلام در مناظرات خود، بر این اصل مهم تأکید داشتند و سعی می‌کردند پیش از ورود به بحث، آن را به مخاطب خود گوشزد کنند و در مناظرات آن حضرت، برای این مسأله نمونه‌های زیادی یافت می‌شود.

حضرت در مناظره با عمران صابی، پیش از ورود به بحث، به او فرمودند:
 سل یا عمران و علیک بالنصفه و ایاک و الخطل و الجور! ای عمران! هر چه می‌خواهی بپرس، اما انصاف داشته باش و از سخن بیهوده و باطل برحذر باش.
 همچنین حضرت وقتی با شخصی روبه‌رو می‌شوند که پایبند به هیچ دینی نیست، به او می‌فرمایند: اعتقادات ما به ما ضرری نمی‌رساند، ولی اگر آنچه که ما می‌گوییم درست باشد، شما هلاک خواهی شد.^۱

۹. احترام و تکریم متقابل

حضرت در مناظرات خود کوشیده‌اند تا یک سیره اخلاقی را در بین مردم پایه‌گذاری کنند. ما می‌بینیم که حضرت در هیچ یک از مناظرات و جلسات گفتگو به کسی توهین نمی‌کنند و اگرچه طرف مقابل از لحاظ علمی ضعیف باشد، باز هم حضرت به او احترام می‌گذارند.

۱۰. دوری از تعصب

هر مناظره‌کننده‌ای که قدم در میدان مناظره و گفتگو بگذارد و طالب حق باشد،

۱. ابی منصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲. رک: صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۶ - ۲۶۵.

نباید از تعصبات درونی پیروی کند، بلکه باید تابع حق باشد؛ اگرچه حق از آن طرف مقابل باشد.

حضرت رضا علیه السلام هم در روش منطقی خود در برخورد با پیروان ادیان دیگر، هرگز متعصبانه عمل نمی‌کردند؛ بلکه به دور از تعصب، اگر طرف مقابل حضرت، قرآن یا پیامبر اسلام را قبول نداشت، همان کتابی را که او بدان باور داشت، مبنای مناظره قرار می‌دادند و حجت و دلیل را از همان کتاب اقامه می‌کردند، تا نتواند انکار کند.

پس از آنکه مأمون جلسه مناظره را مهیا کرد، جاثلیق به مأمون گفت: ای امیرالمومنین! من چگونه با کسی مناظره کنم که از کتابی دلیل می‌آورد که من منکر آن هستم و از پیامبری سخن می‌گویم که من به او ایمان ندارم؟! ^۱

امام فرمودند: ای نصرانی اگر من برای تو از انجیل دلیل و حجت بیاورم می‌پذیری؟ جاثلیق گفت: آیا من قادرم که آن چیزی که انجیل گفته رد کنم؟ بله، به خدا سوگند من اقرار می‌کنم؛ اگرچه بر علیه من باشد. ^۱

۱۱. تبیین معارف الهی در مناظرات

امام رضا علیه السلام تا جایی که توانسته‌اند و شرایط اقتضاء داشته، معارف را برای مردم بیان نموده‌اند. گاهی مردم برای دانستن معارف، به خدمت حضرت می‌آمدند و گاهی هم خود حضرت آنها را دعوت به جلسات علمی می‌کردند. مناظرات کوفه و بصره به دعوت حضرت از علما اتفاق افتاده است.

محمد بن فضل می‌گوید: وقتی که امام موسی بن جعفر علیه السلام شهید شدند، من به مدینه آمدم و به خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم و به حضرت گفتم که می‌خواهم به بصره بروم، حضرت به من فرمودند:

فابلق اولیاءنا بالبصرة و غیرها انی قادم علیهم؛^۲ به محبان و دوستان ما در بصره و غیر بصره پیغام برسان که من به خدمت آنها خواهم آمد.

فضل می‌گوید: من به بصره آمدم و پیغام حضرت را به آنها رساندم و گفتم که او

۱. ابی منصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷۳.

می‌خواهد شما را زیارت کند و به خدمت شما خواهد آمد، هر چه می‌خواهید از حضرت سؤال کنید.

وقتی حضرت به بصره آمدند، ما همه علما را به مجلس دعوت کردیم و حضرت همه سؤال‌های مطرح شده را پاسخ دادند.^۱

همچنین مناظرات بصره هم به دعوت حضرت تشکیل شد. محمد بن فضل می‌گوید: از جمله وصایایی که حضرت هنگام خروج از بصره به من فرمود، این بود که به کوفه بروم و به شیعیان بگویم که حضرت به کوفه خواهد آمد. وقتی حضرت به کوفه آمدند خدمت حضرت رسیدم، حضرت دستوراتی فرمود؛ از جمله اینکه همه علما و متکلمین را جمع کنم. چون همه حاضر شدند، حضرت به جمعیت فرمود: می‌خواهم بهره‌ای از علم را نصیب شما کنم؛ همان‌طوری که نصیب مردم بصره کرده‌ام، به درستی که خداوند علم همه کتاب‌های آسمانی را به من آموخته است.^۲

حضرت خیلی از معارف الهی را در این مناظرات به مردم رسانده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. توحید و عدل؟
۲. علم الهی و صفات او؟
۳. بداء با (سلیمان مروزی)؟
۴. بحث جبر و تفویض و الامر بین الامرین؟
۵. نبوت عیسی و نبوت پیامبر اسلام؟
۶. بحث عصمت انبیاء؟

۱. رک: بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷۹-۷۳.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷۹.

۳. ابی منصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۴. همان، ص ۳۵۷.

۵. همان، ص ۳۶۶.

۶. همان، ص ۳۹۷.

۷. همان، ص ۴۰۴.

۸. همان، ص ۴۲۳.

۷. بحث امامت و صفات امام؛

۸. صفات شیعیان حضرت^۲

و بسیاری از معارف الهی که در کتب حدیثی روایت شده‌اند.

نتیجه گیری

کلمه مناظره، مشتق از «نظر» می‌باشد که در لغت به معنای «با تأمل نگاه کرد و در آن چیز اندیشید» می‌باشد. و در اصطلاح به گفتگو بین دو نفر تعبیر شده که هر یک برای اثبات نظر خویش تلاش می‌کنند. هر دو اینها تلاش می‌کنند تا نظر خویش را حق و نظر طرف مقابل را باطل جلوه دهند. بطوری که این به اسکات و یا اقناع طرف مقابل می‌انجامد.

چون بشر از اول خلقت با صفت نطق آفریده شده است و با این صفت از دیگر موجودات متمایز می‌گردد. لذا انسان از طریق نطق و گفتگو با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و به فکر و اندیشه‌های یکدیگر پی می‌برد و از همین طریق به صحت و سقم یک نظریه علم پیدا می‌کند و حتی در امر تبلیغ هم به این صفت نیازمند است بدون نطق و گفتگو تبلیغ امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین خاطر پیامبران بزرگ الهی در مقام ادعا و تبلیغ و در موقعیت‌های متعدد علمی و عملی از روش گفتگو و مناظره استفاده نموده‌اند و وظیفه خودشان را انجام می‌دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام در ابلاغ رسالت خود بارها و بارها با مخالفان خود مناظره کرده تا به اهداف مقدس خود برسد. و پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهل بیت عصمت و طهارت نیز این سیره را تداوم بخشیدند و با اقتدار به سنت نیکوی پیامبران گام در جای پای آنان نهادند.

تاریخ مناظره و گفتگو با خلقت انسان آغاز شده است و خداوند کریم این صفت را در او قرار داده است. در قرآن کریم هم به این صفت اشاره شده است و کان الانسان

۱. همان، ص ۴۳۷.

۲. همان، ص ۴۶۰.

اکثر شیء جدلاً^۱ ولی انسان بیش از هر چه به مجادله می‌پردازد.

با توجه به شاهد قرآنی و تائید عقلانی و فطری می‌توان گفت تاریخ جدل با تکوین انسان شروع شده لذا فرزند آدم علیه السلام با برادرش به جدال پرداخت و جدالش به کشتن وی انجامید. مناظره و مجادله اختصاصی به بشر ندارد بلکه در میان ملائکه و ابلیس هم وجود داشته که همه اینها در قرآن کریم ثبت شده است.^۲

اما مناظره و جدل در میان علمای اسلام به خاطر فتوای ابوحامد غزالی شروع شد و منجر به تحریم کردن آن انجامید. تحلیل‌ها و گفتگوهای غزالی درباره آفات و شرایط مناظره مقبول عالمان بزرگی از جمله شهید ثانی، فیض کاشانی و ملا مهدی نراقی واقع شده است. و اینها همه یا بخشی از آن را تایید نموده‌اند.

شواهد قرآنی و روایی به خوبی به ما نشان می‌دهند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را به‌طور مطلق نهی نکرده‌اند بلکه جدال غیر احسن را نهی فرموده‌اند.

مناظره همان‌طور که گذشت اقسامی دارد و بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری دارند. مثلاً در میان مناظره برهانی، جدلی، خطابی، و مغالطی، مناظره برهانی بر همه اقسام دیگر برتری دارد. مناظره شرایط و آدابی دارد که دانستن آن بر همه مناظره کنندگان واجب است. در قرآن کریم به برخی از اهداف مناظره اشاره شده است. مثلاً ارتباط منطقی با سایر ملل، دعوت همگانی به توحید و احقاق حق و احیاء عقل و پرورش روحیه آزادگی و تفکر آزاد منش و دانش اندوزی می‌باشد.

آن چیزی که از مطالعه و دقت در مناظرات پیامبران و ائمه علیهم السلام بدست می‌آید این است که در بحثهای عقلی هرگز از مقدمات وهمی و خیالی استمداد نمی‌جستند و در بحثهای کلامی از متشابهات یاری نمی‌گرفتند زیرا انسانی که عقل ممثل است در احتجاج‌ها و گفتگوهای منقول از عقل تجاوز نمی‌کند و به وهم و خیال هم تنزل نمی‌کند و در استدلال‌های منقول از محکومات وحی تجاوز نمی‌کند و به متشابهات آن هم نمی‌پردازد.

۱. کهف (۱۸)، آیه ۵۴.

۲. بقره (۲) آیه ۳۰ در مورد خلقت آدم و سوره اعراف آیه ۱۱ و ۱۲ در مورد عدم سجده ابلیس.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، برهان شفا، بی جا، فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۴. ابن شاذان، فضل، الايضاح، بی جا، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۲ هـ
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابيطالب، بی جا، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ
۶. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بی جا، موسسه تاریخ عربی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ
۷. ابونعیم، احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بی جا، دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۸. الازهری، ابی منصور محمد بن احمد، معجم تهذیب اللغه، دارالمعرفه، لبنان بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ
۹. استادی، رضا، اصفهانی، راغب، اصول عقاید، بی جا، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۰. بدوی، تحسین، حوراء الحقیقه فی ضوء رویه الواحد الدینی الثقافی، بی جا، مرکز الاعلمی للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ
۱۱. بستانی فواد افرام، فرهنگ ترجمه منجد الطلاب، مترجم بند ریگی محمد اسلامی، بی جا، بی نا، بی جا، ۱۳۷۰.
۱۲. بستانی، بطرس، محیط المحيط، ترجمه قاموس مطول للغة العربیه، لبنان، مکتبه ناشرون، چاپ اول، ۱۹۸۷.
۱۳. تسخیری، محمد علی، ایده های گفتگو با دیگران، مترجم محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه السلام، ترجمه زینب کربلانی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بی جا، دارالعلم للملایین، بی جا، ۱۳۷۷.
۱۶. خمینی، روح الله، کشف الاسرار، قم، ازادی، بی جا، بی تا.
۱۷. داود بن سلیمان، مسند الرضا علیه السلام، قم، مرکز نشر اسلامی، بی جا، ۱۳۷۶.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، چاپ اول، ۱۳۳۱.
۱۹. دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.
۲۰. ذهنی تهرانی، محمد جواد، آثار الباقیه فی شرح الحاشیه، بی جا، انتشارات حاذق، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۲۱. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد بن مفضل، معجم مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.
۲۲. ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، قم، دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۲۳. ———— میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۲۴. زبیدی، محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا، وزارت ارشاد و الابناء، بی جا، ۱۳۹۰.
۲۵. سبحانی، جعفر، البداء فی ضوء الكتاب و السنة، محاضرات استاد جعفر سبحانی، بقلم جعفر الهادی، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.
۲۶. ———— الهیات علی الهدی الكتاب و السنة و العقل، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۴۲۳ هـ.
۲۷. سپاه، احمد، فرهنگ جامع نوین، تهران، کتابفروشی اسلام، بی جا، بی تا.
۲۸. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، بی جا، سپهر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۲۹. شرتون، سعید، اقرب الموارد فصیح العربیه والشوارد، لبنان، مکتبه لبنان چاپ دوم، ۱۹۹۳ م.

۳۰. شریعتمداری، علی، فلسفه، اصفهان، انتشارات قائم، بی‌جا، ۱۳۴۷.
۳۱. شهزوری، شمس‌الدین محمد، شرح حکمت الاشراق، تهران، دانشگاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، توحید صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۷ هـ.
۳۳. _____، علل الشرایع، بی‌جا، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.
۳۴. _____، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ.
۳۵. _____، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.
۳۶. معانی الاخبار، مترجم: محمدی شاهرودی، [بی‌جا]، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۳۷. کمال‌الدین و تمام النعمه، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۳۸. شیخ مفید، محمد بن محمد، امالی، بی‌جا مطبوعه الاسلامیه، بی‌جا، ۱۴۰۳ هـ.
۳۹. صلیبیه، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی در بیدی، بی‌جا، ناشر حکمت، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۴۰. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۶ هـ.
۴۱. _____، نه‌ایه الحکمه، بی‌جا، موسسه نشر اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۴۱۷ هـ.
۴۲. طبرسی، ابوالفضل علی، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، تحقیق مهدی هوشمند، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.
۴۳. طبرسی، ابی‌علی‌الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، لبنان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.

۴۴. طبرسی، ابی منصور احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری و محمد هادی به، بی جا، انتشارات اسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ هـ
۴۵. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۵.
۴۶. طوسی، خواجه نصیر الدین، اساس الاقتباس، تهران، دانشگاه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۱.
۴۷. _____، تجرید المنطق، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ
۴۸. _____، التیان فی تفسیر القرآن، بی جا، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۴۹. _____، مصباح المتہجد، بی جا، موسسه فقه الشیعہ، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۵۰. علامہ حلّی، حسن بن یوسف، الجوہر النضید، ترجمہ منوچہر صانعی در بیدی، بی جا، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ
۵۱. _____، تجرید الاعتقاد، بی جا، موسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ هـ
۵۲. فراہیدی، عبدالرحمن خلیل ابن احمد، العین، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ
۵۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، بیروت، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ اول، ۱۳۶۱ هـ
۵۴. قزوینی، نجم الدین عمر بن علی، شرح شمسیہ، بی جا، بی نا، بی جا، ۱۲۹۹ هـ
۵۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودہ، بی جا، کتابفروشی بصیرتی، بی جا، ۱۳۴۵.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ

۵۷. کمره‌ای، محمد باقر، ترجمه و شرح فارسی اصول کافی، بی‌جا، انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵
۵۸. گروهی، پیشوایان هدایت ثامن الائمه حضرت امام رضا علیه السلام، مترجم حسین اسلامی اردکانی، قم، مجمع جهانی اهل بیت، چاپ اول، ۱۴۲۷ هـ
۵۹. مجدی کامل، وهبه، مجمع اصطلاحات العربیه فی اللغه و الادب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۶۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ
۶۱. محسن کاشانی، محمد ابن المرتضی، المحججه البيضاء فی التهذیب الاحیاء، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ
۶۲. محلاتی، هاشم رسولی، غرر الحکم و درر الکلم آمدی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰.
۶۳. مرتضوی، محمد، نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۶۴. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، قم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
۶۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بی‌جا، وزارت ارشاد اسلامی اداره کل انتشارات و تبلیغات، بی‌جا، ۱۳۶۰.
۶۶. مظفر، محمد رضا، المنطق، بی‌جا، انتشارات دارالتفسیر، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۰.
۶۸. ملک شاهی، حسن، ترجمه و تفسیر تهذیب المنطق تفتازانی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
۶۹. وجدی، محمد فرید، دائره المعارف، بی‌جا، دارالمعرفه للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۱۹۷۱ م.
۷۰. ورام، حسین، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد

- پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۷۱. یزدی، عبدالله بن شهاب الدین الحسین، الحاشیه علی تهذیب المنطق التفتازانی، بی‌جا، موسسه نشر اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۱۵ هـ
۷۲. یزدی، عبدالله بن شهاب الدین، حاشیه ملا عبدالله، بی‌جا، موسسه نشر اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۱۵ هـ
۷۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ